

غرامت مضاعف Double Indemnity

ترجمه مجید داودی



خیابان اخیلابی خاموش و طولانی امن در سیاهی گام برمی دارم و نمی توانم جلوی پایم را ببینم. نمی توانم و نمی آیم. او برمی خیزد، من در گویی و تاریکی غوطه می خورم، پاهایم / که روی سنگهای گنگ می نشینند. صدای خشکی می سازند / پشت سرم، کسی آهسته و پاورچین پیش می آید / اگر من آرام و کند قدم بردارم او هم آرام و کند می شود / اگر من بدبوم او هم می دود، برمی گردد، کسی نیست / کوچه تاریک است و درها بسته اند / بسته ها / گمشده ها / ما گردیم و ما گردیم / جایی را بیایم، معموری را / که کسی به کینام نشسته باشد و کسی تعقیبام نکند / جایی که مردی را ببینم که می آید / برمی خیزد و وقتی مرا می بیند می گوید: کسی نیست.

در خیابان بلند و خاموش فیلم نوار همیشه شب است و هم ترانه ها غمگانه اند. معبرهای این خیابان کثیف اند و پیاده رویهای آن سردرودر و خست و خستگی مرگ در این خیابان بیداد می کند. ولی در فیلم غرامت مضاعف به کارگردانی ویلی وایلدر Billy Wilder، یک خیابان فرعی وجود داشت که نمی شد از ظاهر آرام و روشن اش به خطر و پلیدی بی که داخل اش موج می زد. پیس برد، ریسونود چندلر Raymond Chandler، رمان نویس، نوشته است: لغت به این خیابان های پر از تباهی، آن ها معبر مردهایی هستند که لزوماً تنهاگر نیستند، فقط تقدیر آن ها را به آن جا کشانده است. چندلر بعنوان فیلمنامه نویسی ویلی وایلدر، با فرستادن آدمی به اسم والترتف به بیست و هفتای روحی، وایلد را شادمان ساخته است.

والترتف (با بازی فردمک موری Fred Mac Murray) کارگاه یک شرکت بیمه است. با زن سردمزاچی به نام فیلیس دیتربسون (با بازی باربارا استنویک Barbara Stanwyck) رابطه ای شوم و غیرعادی برقرار می کند. آن دو با طرح توطئه ای خیانتانه مرتکب قتل شوهر فیلیس می شوند. پس از جنایت عذاب وجدان فرامی رسد چنانکه شبهای گرم و زیبای کالیفرنیا برای نف به جهنم تبدیل می شود و او دچار حملات عصبی می کند. او در یک تنگنوی طی طولانی نزد کسی، همکارش (با بازی ادوارد جی رابینسون Edward G. Robinson) اعتراف می کند. نمی دانم بجای کار اشتباه بود، نمی دانم کجا کوتاهی کردیم. فکر می کردم همه چیز خوب پیش رفته، ولی وقتی داشتم نوبت خیابان راه می رفتم که بروم داروخانه،

زائوسهای دوربین پسر می کند، خشم وایلد را برمی انگیزد. او چندلر را تحقیر کرده و شروع به سخنرانی درباره این که به نظور می توان برای سینما نوشته می کند. وایلدر خیال دارد به این همکاری خاتمه بدهد. اما چندلر به سرعت شیوه کارش را با سختی روش های وایلدر و ساختارهای سینمایی تطبیق می دهد. به طوری که باعث حیرت وایلدر می گردد. وایلدر بعدها از این همکاری بعنوان مهم ترین فعالیت سینمایی اش چنین یاد می کند.

اما، موقعیتی را که در رمان نوشته شده بود تشریح می کردیم. اول کلی دربارش حرف می زدیم، بعد جمع بندی می کردیم و قصه اصلی را تغییر می دادیم و به سرچشمه های جانب و اصلی که برای شروع کارمان احتیاج داشتیم می رسیدیم و بعد تازه نوشتن فیلمنامه شروع می شد. سکانس ها، سکانس پیش می رفتیم، اول دیالوگها را می نوشتیم بعد موقعیتها را او را بسوند چندلر را تمام این مراحل عالی بود. خیلی خیلی عالی.

ریسونود چندلر به اقتباس برای فیلمنامه شنا و اعتبار بخشید. فیلمنامه هایی که برای فیلمهای کوبک Blue Dahlia و غیره بهی در ترن Stranger on a Train A اثر آلفرد هیچکاک نوشت، از بهترین نمونه های موجود در همه زمان ها هستند و جیمز ام کاین اقرار کرد. فیلمنامه ای که چندلر برای فیلم غرامت مضاعف نوشت از ضعف های رمان بزری است. در عوض چندلر احساس می کرد بازگشت به رمان نویسی برایش غیرممکن شده و توانایی این کار را از دست داده است. آخرین رمان های چندلر حس ناامنی و خامدستی نویسنده را القاء می کنند.

خیابان های لس آنجلس و بقعه شهرها از روزگار آثار چندلر شلوغ تر و خطرناک تر شده اند، معبرهای کثیف هنوز کثیف اند و شاهانه های غرامت مضاعف هنوز در سراسر شهر دیده می شوند. بلوار هالیوود جایی است که وایلدر و لولا دیتربسون هر روز یکدیگر را ملاقات می کنند. اینستگاه آغاز گندیل جایی است که جنایت، جنایت آغاز می شود و دخاقت مرگ، جایی است که والترتف و فیلیس نقشه قتل و جنایت را می کشند و هنگامه عشق عجیبشان درمی گیرد. این خانه هنوز پارچاست. در شماره ۶۲۰ خیابان کبک هالیوود هتل شهر لس آنجلس قرار دارد، امروز شبیه آشیانه جندها شده است اما همان جایی است که زن بی رحم فیلم غرامت مضاعف شوهرش را به کام مرگ کشاند. امروز وقتی به شهرها و خاطره های دلبگیر این خانه می نگریم، از برای آن ها صدای قدم های روح سرگردان والترتف، قربانی ابدی نیرنگ زن را می شنویم.

صدای قدمها در سراسر می پیچد و می پیچد.

بمنظور رسید همچیز غلط اتفاق افتاده شده ای. دیوانه کننده بی در سرم می پیچد ولی حقیقت داشت، پس به من کمک کن کیس. نمی توانستم صدای پای خودم را بشنوم، مثل قدم زدن. یک مرده بود آن شب طولانی ترین شب زندگی من بود.

غرامت مضاعف با پشت تحت تاثیر فیلمهای صامت اکسپرسیونیستی است که وایلدر طی دهه ۲۰ ساخت اما آن چه در اصل منجر به شکل گیری این فیلم و ابداع ژانر فیلم نوار، شده همکاری وایلدر و چندلر است.

رمان غرامت مضاعف توسط یکی دیگر از اساتید مکتب هاردبولد Hard Boid School جیمز ام کاین James M. Cain نوشته شد. یوم تهیه کننده کمپانی پارامونت (جوزف میسترور) حدس زده بود که چندلر کسی است که می تواند از این رمان، فیلمنامه ای در حد شاهکارهای نظیر جناب بزرگ Big Sleep و محبوب من My lovely را اقتباس کند. چندلر پیش از این در زمینه سینما کار نکرده و خامی و گستاخی اولین فیلمنامه او در قالب تلخ ولی حرفه ای فیلم وایلدر جاندها می شود. وایلدر پیش از این رمان های چندلر را خوانده و از آن برای نمایش تباهی و اضحلال نیویورک و همزوال ستایش کرده و او را نویسنده ای بزرگ می داند. اما وقتی همکاری شروع می شود و چندلر فیلمنامه را با دستور صحنه و بازی و



گرمای بزرگ The Big Heat

در یکی از تکن‌دهنده‌ترین صحنه‌های فیلم‌نوار دلی، صورت سوزانده شده‌اش را به وینس نشان می‌دهد

گرمای بزرگ (۱۹۵۳) شاخص‌ترین اثر ژانر لاری

Fritz Lang و خشن‌ترین و بدبینانه‌ترین فیلم اوست. بازرس دیوبایون (با بازی گلن فورد (Glenn Ford)) به خانه می‌باید که برایش غرق‌قابل تحمل شده بازمی‌گردد. غریب و تنها وسط حال می‌ایستد و به آشپزخانه خالی نگاه می‌کند؛ جایی که پیش از این در آن‌جا همسرش برای استیک و آبجو آماده می‌کرد. همسر بایون، در اثر انفجار دینابیت‌هایی که سر اوسمیل‌اس گزار گذاشته بودند، کشته شده است. دینابیت‌هایی که قرار بود بایون را بکشد. لانگ با نمایش نمای درشتی از چهره و چشمان خیس گلن فورد، بر بیگانگی و تلخ‌گذشتگی آدمهای فیلم‌باش تأکید می‌کند. بازرس بایون پرونده خودکشی تام دنکن را پی‌گیری می‌کرده و مدارک موجود او را به‌صورت تپه‌کاری به‌نام لانگا هدایت کرده بودند. لانگا دست به مقابله می‌زند. افراد او جنایت را از خیابان به خانه بایون می‌کشند و همسرش را می‌کشند و کالاشنیک را ویران می‌کنند. بایون خشک‌بین و عاری از انسانیت با فراموش کردن قراردادهای اخلاقی، شغل‌اش را رها می‌کند و به تپه‌کاری با کلاشینکوف اشتغال‌جویانه تبدیل می‌شود. انتقامی که مثل زندگی تپه‌کاران بوچ و بی‌بهاست.

در بیشتر فیلم‌های نوآر، توطئه مرگبار زن، مرد را به دام می‌اندازد، او را نادود می‌کند و فاسیل و شغل‌اش را از او می‌گیرد، اما در گرمای بزرگ ماجرا سبیری محسوس دارد. برای زن‌هایی که وارد زندگی‌اش می‌شوند باعث‌بویایی نابودی است، برای هر چهار زن از لوسی چاپس گرفته تا دبی.

لوسی تباه می‌شود، چون بایون از باور دانستگی که او با جدیت تعریف می‌کند، سرپا می‌زند او رقیب تام دنکن بوده است و بایون به او به چشم یک دختر بد و دختر محفلی می‌نگرد و هیچ اعتقاری برایش قائل نمی‌شود. وقتش، دربرابر رابطه او با دنکن می‌شود.

خودش را کنار می‌کشد، دو تلاش کردی من‌رو لغفل کنی، تو می‌خواهی از طریق من ارتزاق کنی، لوسی ناباورانه می‌گوید: من؟ من دست‌کم بهت نشان دادم. آن زن یک دروغ‌گوسته و لوسی راست می‌گوید، بایون دربرابر او قضاوت اشتباه کرده است. خاتم دنکن واقعاً دروغ می‌گوید، ولی بایون نمی‌تواند ببیند. او تحت تأثیر خاتم دنکن قرار گرفته خاتم دنکن، حس همدردی او را برمی‌انگیزد؛ خاتم دنکن روی‌مروی آینه نشسته است. بایون درمی‌زند، چهره خاتم دانکن حالت ملحی به خود می‌گیرد و آرایش حزن بی‌وهی دلق‌دهنده را منعکس می‌کند. لوسی به‌خاطر این‌که با بایون حرف زده و نزد او اعتراف کرده، کشته می‌شود.

جنارزه شکنجه شده و زجر دیده او در جاده‌های بیرون شهر پیدا می‌شود. مرگ او، بایون را در پی‌گیری پرونده دنکن، معرتر می‌کند. تحقیقات بایون، او را به محکومیت برتا دانکن متشاقه می‌کند. تام دنکن، پیش از خودکشی با دادگستری نوشته و در آن از سران اتحادیه تپه‌کاران نام برده است. برتا این یادداشت را پیدا می‌کند و از آن برای اخلاقی از لانگا و استون استفاده می‌کند. بایون می‌خواهد، این مدارک را به‌دست آورد، و از آن‌ها علیه تپه‌کاران استفاده کند. برای همین برتا را تهدید می‌کند، ناگر اتفاقی برای تو بیافتد، مدارک به‌دست من می‌رسد و او را می‌ترساند، وقتی تو بمیری، تمقیب بزرگ به پایان می‌رسد و شروع به فشردن گلولی برتا می‌کند. ولی وقتی پلیس‌ها می‌رسند، کارش را نیمه‌تمام رها می‌کند. پیش دبی برمی‌گردد و به او می‌گوید چطور نزدیک بود برتا از خفه کند. برتا به او می‌گوید: او نمی‌توانسته است این کار را انجام دهد. بایون، پیش از ترک منزل دبی، اسلحه‌یی روی تخت‌خواب می‌اندازد و به دلی می‌گوید: این را برای شروع همکاری بردار، در

بایون برای بازید محل وقوع جرم بیرون می‌رود و ما در دایره جنایت و مکالمات باقی می‌مانیم، گویی قرار است همه چیز از این تکرار شود. روی پیوستر بزرگی که روی دیوار دفتر نصب کرده‌اند نوشته شده است: بخون بدهید. همین حالا.

بیگ کامبو

The Big Combo

فیلم بیگ کامبو (۱۹۵۵) محصول ایالت آرژانتین است

Artists به کارگردانی جوزف لوئیس Joseph Louis و فیلمبرداری عتی جان آنتون Jean Anton فیلم با سوزن لول (با بازی جین والاس Jean Wallace) سخن احاطه شده آغاز می‌شود. او در راهروی رختکن سالن بولس می‌دود. دو گورن گفتند: فاشی و مینگو که توسط فاشی سوزن، آقای بیون (با بازی ریچارد کنت Richard Conte) اجیر شده‌اند تا چشم از او بردارند، او را دنبال می‌کنند. سوزن، از نفس افتاده، از درون تاریکی شاعرانه آنتون بیرون می‌آید و به

دویدن می‌خشد. می‌دهد اما تعقیب‌کنندگان در آن تاریکی شوم باقی می‌مانند. حالا سوزن وسط یک دایره نوری قرار گرفته، به نظر خسته، ناامید و برهنه می‌آید.

نورپردازی را همزبان آنتون برهنگی سوزن را با سبای روابط گناهکارانه و عذاب‌های روحی می‌آمیزد. سوزن زن مرگبار، فیلم‌های گنگستری نیست، نماد بی‌دلی سوزن و آنتون و شخصیت پردازی والاس، سوزن را زنی پریشان‌حال و معذب که ناگزیر است توسط قانون (سوزن لولنارد دایموند) و پرداخت کاره لغزش‌های جنسی‌اش اصلاح شود، معرفی می‌کند. دایموند (با بازی کرنل وایلد

Cornell Wilde) هم معذب و آزاده است. او ماما در دای سوزن را دنبال کرده است و همه پولش را در این تعقیب دیوانه‌وار برای نابود کردن بیرون و داروسمتاش خرج کرده است. او به سرگرد مافوقش می‌گوید: «اگر من سوزن را بگیرم و باورم و بتوانم او را مجبور کنم که حرف بزند».

سرگرد سعی می‌کند واقعیت را به دایموند بنماید: «تو فکر می‌کنی واقعاً بتوانی یک دختر خودسر را اصلاح کنی، فقط چون عاشقش هستی؟»

گناه سوزن، صحنه به صحنه گسترش می‌یابد و نمایان می‌شود. در آغاز در افتتاحیه‌ی مریلبر، سوزن در یک کافه - رستوران آقای ادوین دوست خانوادگی قدیمی‌اش را می‌بیند. آقای ادوین از دیدن سوزن یکه می‌خورد: «تو خیلی تغییر کرده‌ی سوزن، من به سختی شناختمت. سوزن ادعا می‌کند تغییر نکرده است. اما برش کارگردان به میزی که گردن کلفت‌ها نشسته‌اند و غذا می‌خورند، انداخته سوزن را تکذیب می‌کند. هنگامی که سوزن و ادوین، آرام در سالن رقص می‌چرخند، سوزن نانوان از فرار از خود و فروپاشیده، برای ادوین رانگشایی می‌کند و نه‌تأیاً به او می‌گوید: «من قرص خودم و فکر می‌کنم مردم می‌میره، پس از آن در بیمارستان، وقتی

دایموند از او در مورد آلیسیا Alicia (یکی از خطاهای

روایی داستان) بازخواست می‌کند حاشی بهتر می‌شود. دایموند بالاخره او را گیر نداشتن است. سوزن از او روی برمی‌گردد، ولی دایموند سماجت می‌کند: «تو خیال می‌کنی همان دختر زرنگ و محترمی هستی که چهار سال پیش بودی؟ تو همان نیستی، تو تلاش می‌کنی خودت را کنی. تو تحت تعقیب و اگر دستگیرت کنند به

۲ تا ۳ ماه زندان محکوم می‌شوی. دایموند تمام مدت سوزن را برای اقامت به خودکشی می‌خواهد می‌کند ولی در واقع به‌خاطر رابطه مهم سوزن و بیرون از او دلگرم است.

تشویش دایموند به سوزن سزایت می‌کند. سوزن سعی می‌کند با حرف زدن از رولپت و درگیری‌های شخصی‌اش، شرافت و بی‌گناهی‌اش در دست رفتاش را احیا کند. اما دایموند می‌خواهد او را هوشیار کند و از خیال‌پردازی باز دارد. «تو خیال می‌کنی جرم بیرون چیست؟ قتلای پوست و خز؟ نه این‌ها پوست آدم‌هایی است که او شکست داده، در دیده، فریب داده و کشته، سوزن نمی‌خواهد حقیقت را بپذیرد. کارگردان حسن یگانگی و بی‌رحمی سوزن از دایموند را با نمایش استثنایی آفته می‌کند: هر دو بازیگر به رویه‌رو خیره شده‌اند، درست به دوربین، اما به سختی عجب و فوق‌العاده‌ی جدا و یکنه با هم. سوزن برای اولین بار نرزد دایموند اعتراف می‌کند: من در یک لاپروست هزار تو زندگی می‌کنم. آقای دایموند یک هزاروی سیاه و تاریک پراز مسیرهای

بیچاره بی‌حکمت همه آن‌ها به آقای براون ختم می‌شوند. دایموند اعتراف سوزن را با احساسات خودش درمی‌آمیزد و در ادامه حرف‌های او می‌گوید: «هیرون برو و خود را از دست بیرون خلاص کن» سپس اعتراف می‌کند که عاشق لاپروست بیخ بیگانگی سوزن آب می‌شود. او می‌چرخد و مستقیماً به دایموند می‌نگرد.

پس از آن سوزن، دایموند را در دفتر پلیس، با عکس از آلیسیا ملاقات می‌کند. داستان ادامه می‌یابد و آن‌ها آلیسیا زن عجیب غریب بیرون را در یک تمبراستان می‌یابند. احساسات سوزن به شدت جریحه‌دار شده و در مقابل پلیس، دایموند و آلیسیا دردم می‌شکند. مجدداً باید عذاب بکنم و غوار بشوم، پس نیست؟ و دایموند می‌گوید برای هیچ چیز ظرافت فطری وجود ندارد. سوزن برای دومین بار پیش دایموند اعتراف می‌کند که او دختر بیرون است. آلیسیا این

ارتباط را تصدیق می‌کند و گناه و تائوی سوزن عمیق‌تر می‌شود. دایموند از آن‌دو، برای دستگیری و مجازات بیرون تقاضای کمک می‌کند. ولی آن‌دو که به شدت سردرگم و آسیب دیده‌اند نمی‌پذیرند، پس دایموند عکس از بدن سوراخ‌سوراخ شده ریتا (قره‌بانی بیرون) و دوست سابق دایموند، به آن دو نشان می‌دهد. آلیسیا تن در می‌دهد و سوزن به‌خاطر دیدن عکس و تائوایی در فرار از نگاهش در سیل اشک غرق می‌شود.

فیلم با ایجاد ترکیب نفس، ه کاتاستروف، در مخاطبان خاتمه می‌یابد. سوزن خود را از احساس گناه و نیز از تسلط بیرون می‌رهاند و بیرون که مسئول مرگ ریتا و بسیاری دیگر است و با شمار بی‌رحمانه سفر اول، اول است و دومی هیچ‌کس نیست تبدیل به نفر دوم می‌شود. وقتی بیرون، سردرگم در آشیانه هویلیما جست‌وجو می‌کند و زیر بار می‌زند، حبلان احمد کدوم گویه‌ها، سوزن با خوشبندی

سیگاری روشن می‌کند. بیرون از گوره در می‌رود، با دست چپ فنک را می‌گیرد و پرت می‌کند و با دست راست به سوزن سیلی می‌زند، دیگه این کارو نکن، او به شدت عصبی است. چند دقیقه بعد یک اتومبیل پلیس وارد می‌شود و توقف می‌کند. بیرون به فضای تاریک و مملو می‌نگرد و در آن عقب می‌نشیند و پشت دیواری قزلی می‌خزد. صدای انفجارتند دایموند بلند می‌شود. میا بیرون، و شروع به تیراندازی می‌کند. سوزن سعی می‌کند جای بیرون را حدس بزند، چراغ‌های اتومبیل را پیرامون بیرون متمرکز می‌کند و به او نور می‌تاباند. اداره میزبان‌ها را در دست می‌گیرد و باعث نابودی گناهکار اصلی می‌شود. با رجوع به زاویه دید بیرون

درمی‌یابیم او دیگر چیزی نمی‌بیند. فقط تاریکی و تصاویر محو است و دو نقطه نورانی خیره‌کننده، و نمی‌تواند بیش از این به‌جهان فرمان بیاورد. بیرون گنج و ناتوان به نقطه نورانی شلیک می‌کند ولی سوزن چراغ‌ها را روشن نگه می‌دارد، بیرون دیگر روی او تسلط ندارد.

سوزن با پس زدن بیرون از گناه پاک می‌شود و با حرکتی عاقلانه، مرد عوض می‌کند. بیرون را می‌بیند که احساسش را خالی می‌کند و دایموند را که ستاره بختش درخشین گرفته است. سوزن از مرد شکست‌خورده روی برمی‌گردد.

دایموند بیرون را بازدانست می‌کند: «برو توی اتومبیل» و او را به طرف دو افسر پلیس هول می‌دهد. دایموند آرام آشیانه را جست‌وجو می‌کند و در نمای حضور به سمت دوربین بازمی‌گردد. سوزن به سمت او می‌دود. آن‌دو در نور به هم می‌زنند. سپس بیرون می‌دود و در فضای مملو می‌ماند می‌شود. ما در آشیانه می‌مانیم و به دشواری‌هایی که در انتظار آن‌دو است می‌اندیشیم. ممکن است امید برای آن‌دو باقی مانده باشد، حتی در دنیای تاریک و سیاه فیلم‌نوار.